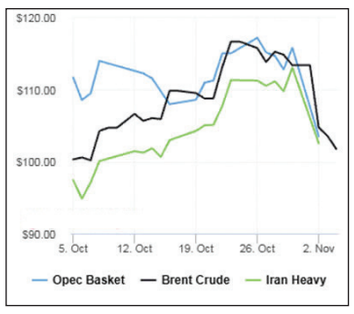
تحلیل

قیمت نفت اندکی کاهش یافت



قیمت نفت در معاملات اولیه روز چهارشنبه که سرمایه‌گذاران باواکنش به نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا محتاط بودند، کاهش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با ۲۶ سنت معادل ۰.۲۵ درصد کاهش، به ۱۰۳ دلار و ۳۴ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا نیز با ۵۳ سنت معادل ۰.۵۵ درصد کاهش، به ۹۵ دلار و ۵۶ سنت در هر بشکه رسید. در معاملات روز سه‌شنبه، قیمت نفت برنت بیش از یک درصد کاهش یافته و به پایین‌ترین سطح خود در حدود چهار هفته اخیر رسیده بود چرا که معامله‌گران در حال ارزیابی مذاکرات برای پایان دادن به جنگ میان اوکراین و روسیه و تلاش‌ها برای دستیابی به صلح در خاورمیانه بودند. در همین حال، منابع بازار روز چهارشنبه با استناد به داده‌های «موسسه امریکن پترولیوم» (API) اعلام کردند که ذخایر نفت خام در هفته منتهی به ۳۰ اکتبر، به میزان ۵.۲۷ میلیون بشکه کاهش یافته است. این در حالی است که ۸ تحلیلگر در نظرسنجی رویترز، انتظار داشتند که ذخایر نفت خام به‌طور میانگین حدود ۸۸۰ هزار بشکه افزایش یافته باشد. به گفته منابع آگاه، ذخایر بنزین امریکا ۱.۴۳ میلیون بشکه افزایش یافت، در حالی که موجودی فرآورده‌های میان تقطیری نسبت به هفته پیش از آن، ۱.۱۹ میلیون بشکه کاهش داشت. بر اساس گزارش رویترز، شرکت «های تونگ فیوچرز» روز چهارشنبه در یادداشتی اعلام کرد: «موجودی گازوئیل همچنان در سطح پایینی قرار دارد، در حالی که ذخایر بنزین بیش از حد انتظار افزایش یافته است. این داده‌ها در مجموع از قیمت‌های نفت حمایت می‌کنند.» داده‌های رسمی «اداره اطلاعات انرژی امریکا» بعداز ظهر روز چهارشنبه منتشر خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

از چالش تأمین مالی تا ضرورت انضباط هزینه

از این رو، کارفرما باید از ابتدا برنامه تأمین مالی قابل اتکا داشته باشد و مسوولیت آثار تأخیرهای منتسب به خود را بپذیرد. نمی‌توان پروژه‌ای را برای سه سال برنامه‌ریزی کرد و نسبت به هزینه‌های ناشی از توقف‌های طولانی بی‌تفاوت ماند. اما سوی دیگر مساله نیز مهم است: دشواری شرایط اقتصادی نباید انضباط مالی پیمانکار را کم‌رنگ کند. فرض کنیم در زمان پیشنهاد قیمت، هزینه خرید تجهیزی برآورد شده، اما هنگام سفارش‌گذاری قیمت واقعی بالاتر است. در قرارداد مقطوع، این اختلاف لزوماً تخلف پیمانکار نیست و به‌خودی‌خود نیز حق مطالبه مبلغ اضافی از کارفرما ایجاد نمی‌کند. مساله اصلی این است که افزایش هزینه چگونه ثبت، تحلیل و مدیریت می‌شود. آیا آثار خرید بر هزینه نهایی پروژه فوراً بررسی شده است؟ آیا مدیریت ارشد از انحراف بودجه اطلاع دارد؟ آیا برای کنترل سایر هزینه‌ها اقدامی صورت گرفته است؟ اگر منشأ افزایش هزینه، تغییرات یا تأخیرهای کارفرماست، آیا پیمانکار موضوع را طبق قرارداد و در موعد لازم اعلام کرده است؟ در یک شرکت حرفه‌ای EPC، نظام کنترل هزینه نباید فقط هزینه‌های گذشته را ثبت کند. بودجه، تعهدات خرید، جریان نقد و برآورد هزینه تکمیل یا Estimate at Completion باید مرتباً به‌روز شوند و بر تصمیمات واقعی اثر بگذارند. داشتن واحد کنترل پروژه کافی نیست؛ گزارش‌های آن باید در زمان مناسب به تصمیم مدیر پروژه، مدیر عامل و هیات‌مدیره تبدیل شود. تصمیم درباره خریدهای خارج از بودجه، پذیرش ریسک جدید یا درخواست بازنگری مبلغ پیمان باید با حدود اختیار روشن و مستندسازی همراه باشد. چنین نظمی هم از سرمایه کارفرما حفاظت می‌کند و هم به اعتبار و پایداری پیمانکار کمک می‌رساند. نگرانی زمانی جدی می‌شود که انحرافات برای مدت طولانی انباشته شوند و در مراحل پیشرفته، طرفین تازه متوجه کسری قابل توجه منابع شوند. در این مرحله، کارفرما نیز انتخاب دشواری دارد: مذاکره برای حفظ پیمانکار یا تحمل هزینه و تأخیر ناشی از جایگزینی او. ادامه همکاری و حتی کمک مالی ممکن است تصمیم اقتصادی درستی باشد، اما نباید به معنای پذیرش خودکار ادعاها یا صرف‌نظر از حقوق قراردادی تلقی شود. به باور من، یکی از معیارهای مهم بلوغ مدیریتی، اعلام زودهنگام مشکل است. اگر هزینه‌ای ناشی از رویدادی قابل جبران باشد، پیمانکار باید ادعای مستند خود را مطابق قرارداد مطرح کند؛ اگر ناشی از ریسک پذیرفته‌شده یا تصمیم تجاری خودش باشد، باید آثار آن را در چارچوب مسوولیت خود مدیریت کند. در هر دو حالت، تأخیر در اطلاع‌رسانی می‌تواند فرصت اصلاح مسیر را از بین ببرد؛ البته حدود تعهد گزارش‌دهی و آثار حقوقی تأخیر در اعلام، تابع مفاد قرارداد است. شاید لازم باشد در انتخاب مدل قراردادی نیز انعطاف بیشتری داشته باشیم. Lump Sum برای پروژه‌هایی با محدوده روشن، مهندسی کافی و تأمین مالی قابل اتکا همچنان مناسب است. در پروژه‌های پرابهام، مدل‌های مرحله‌ای، Target Cost یا ترکیبی نیز ارزش بررسی دارند. با این حال، تبدیل قرارداد به Cost Plus بدون نظام شفاف رسیدگی به هزینه‌ها، کنترل تعهدات و انگیزه صرفه‌جویی، راه‌حل پایداری نیست. به گمان من، اولویت اصلی روشن است: کارفرما باید برنامه مالی واقع‌بینانه و تصمیم‌گیری به‌موقع داشته باشد؛ پیمانکار باید برآورد هزینه تکمیل را پیوسته کنترل کند و انحرافات را زودهنگام، در چارچوب قرارداد، مطرح سازد؛ و مدیریت ارشد هر دو طرف باید درباره ریسک‌های مالی و اجرایی پاسخگو باشد. صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور به کارفرمایانی با تأمین مالی معتبر و پیمانکارانی توانمند، منضبط و سودآور نیاز دارد. هدف، مقصر دانستن یک طرف نیست. مسوولیت‌پذیری حرفه‌ای یعنی هر طرف پیامد تصمیمات و ریسک‌های پذیرفته‌شده خود را بشناسد و پیش از آنکه مشکل به بحران تبدیل شود، برای مدیریت آن اقدام کند.

گزارش «تعادل» از جمع‌آوری گازهای همراه نفت و مشعل‌ها

وقتی شعله‌های جنوب به نبض ثروت بدل می‌شوند



دهه‌هاست که شب‌های مناطق نفتخیز جنوب با سرخی مشعل‌های سر به فلک کشیده‌ای روشن می‌شود که در حافظه بصری چند نسل از ایرانیان، نماد ناگزیر و جدایی ناپذیر استخراج نفت خام بوده است. مشعل‌هایی که در نگاه عامه شاید یادآور شکوه طلای سیاه بودند، اما برای تحلیلگران اقتصاد انرژی، چیزی جز سوختن بی‌امان سرمایه‌های بین‌نسلی، هدر رفت ثروت ملی در پهنه آسمان و تحمیل بار سنگین آلودگی‌های زیست‌محیطی به ساکنان اقلیم جنوب به شمار نمی‌رفتند. سال‌های طولانی این گزاره تکرار می‌شد که سوزاندن گازهای همراه نفت، بهایی فنی و اجتناب‌ناپذیر برای جلوگیری از حبس فشار در تأسیسات روحیاتی فرآیندی است؛ اما اکنون ورق برگشته است. دگردیسی بنیادینی در رویکرد کلان صنعت نفت در حال رخ دادن است؛ چرخشی راهبردی از «سوزاندن مهارناپذیر» به سمت «بازیابی اقتصادی» که موتور محرک آن در ماه‌های اخیر شتابی کم‌سابقه گرفته و حجم گازهای جمع‌آوری‌شده را از حدود ۷ میلیون مترمکعب در روز، به بیش از ۱۷ میلیون مترمکعب رسانده است.

این جهش بیش از دو برابری، پیش از آنکه صرفا یک آمار مهندسی باشد، بیانگر یک تحول فلسفی در مدیریت منابع هیدروکربوری کشور است. در شرایطی که سایه ناترازی گاز در فصول سرد و گرم سال بر دوش صنایع و بخش خانگی سنگینی می‌کند، نگاه دوباره به آنچه بی‌هیچ فایده‌ای به اتمسفر رها می‌شد، تنها یک الزام زیست‌محیطی نیست، بلکه حیاتی‌ترین شاهراه تأمین امنیت انرژی و صیانت از ارزش زنجیره پایین‌دستی است. چرا پرونده فلرینگ در ایران سال‌ها در پیچ‌وخم اسناد بالادستی و وعده‌های روی کاغذ خاک می‌خورد؟ ریشه مساله در تعریف سنتی و ناتوان‌کننده این حوزه نهفته بود. برای دهه‌ها، جمع‌آوری گازهای مشعل صرفا یک «طرح زیست‌محیطی هزینه‌بر» تلقی می‌شد؛ پروژه‌ای که سرمایه‌گذاری سنگین در تجهیزاتی همچون کمپرسورهای تقویت فشار، خطوط لوله انتقال، نم‌زدایی و شیرین‌سازی را به دوش شرکت‌های بالادستی می‌انداخت، بدون آنکه مدل مالی مشخصی برای بازگشت این مخارج متصور باشد. در غیاب انگیزه‌های مالی شفاف و زیر سایه محدودیت منابع مالی دولتی، فلر هابه سوختن ادامه دادند. نقطه عطف رویدادهای اخیر، بازطراحی دقیق این هندسه اقتصادی با گشودن فضا برای بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران غیردولتی است. با انعقاد ۲۳ قرارداد عملیاتی با بخش خصوصی، معادله‌ای تعریف شد که در آن سرمایه‌گذار صرفا هزینه‌کننده خاموشی نیست، بلکه مالک ارزش حاصل از فرآوری گاز بازیابی‌شده است. در این الگوی مدرن، سرمایه‌گذار حلقه مفقوده زنجیره را با آوردن تکنولوژی تقویت فشار و فرآورش تکمیل می‌کند و در ازای آن، خوراک ارزشمندی را به محصولات باارزش پتروشیمی، گاز سبک شبکه و مایعات گازی تبدیل می‌نماید. برآورد خلق درآمد سالانه بیش از ۸۰۰ میلیون دلار برای اقتصاد کشور تنها از محل خاموشی ۵۷ مشعل در کانون‌های عملیاتی جنوب، شاهدی روشن بر این واقعیت است که بازیابی گاز نه یک پروژه خیریه صنعتی، بلکه بنگاهی مولد، با توجیه اقتصادی ممتاز و بازدهی سرمایه‌گذاری ارزی فوق‌العاده است.

حتی کارآمدترین الگوهای مالی و پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها نیز اگر در هزارتوی دیوان‌سالاری اداری گرفتار شوند، ابتر می‌مانند. صنعت انرژی در ایران بارها شاهد طرح‌هایی بوده که سال‌ها در انتظار اخذ مجوزهای مختلف زیست‌محیطی، پدافندی و مالکیتی معطل مانده‌اند؛ روندی که در آن نه‌تنها سود اقتصادی طرح‌ها ذوب می‌شود، بلکه اعتماد بخش خصوصی به سازوکارهای تضمین سرمایه‌گذاری نیز از بین می‌رود. یکی از درخشان‌ترین ابعاد تحولات جدید، کاهش شگفت‌انگیز زمان صدور مجوزهای زیست‌محیطی به زیر ۲۰ روز است. نکته اساسی در این میان، تمایز ظریف میان «تسهیلگری اداری» و «نادیده‌انگاری استانداردها» است. تجربه اخیر ثابت کرد که تسریع در فرآیندها هرگز به معنای دور زدن ملاحظات سختگیرانه محیط زیستی نیست، بلکه حاصل شکستن دیوارهای حائل میان دستگاه‌های نظارتی و اجرایی و هم‌افزایی ساختارمند است. وقتی کارشناسی فنی و بررسی زیست‌محیطی از یک فرآیند تقابلی به یک پروژه ملی مشترک تبدیل می‌شود، زمان بررسی از چندین ماه به کمتر از سه هفته تقلیل می‌یابد. چنین سیگنالی از سوی بدنه سیاستگذاری، مهم‌ترین محرک برای جذب نقدینگی بخش خصوصی در پروژه‌های پیچیده و سرمایه‌بر انرژی است.

ساده‌انگاری بزرگی است اگر پیروزی در این میدان را تنها با شمارش مشعل‌های به خواب رفته اندازه بگیریم. خاموش کردن فیزیکی یک مشعل دشوار نیست؛ هنر مهندسی و ارزش‌آفرینی راهبردی در آن است که گاز پرفشار و آکنده از ناخالصی را در دهانه چاه‌ها و واحدهای بهره‌برداری مهار کرد، بدون شوک‌زایی به چاه‌ها آن را وارد شبکه خطوط لوله متمرکز نمود و سپس در پالایشگاه‌های فرآیندی به متان، اتان، پروپان و بوتان تجزیه کرد. مشعل‌های نفتی که زمانی ستون‌های افروخته اما پرهزینه میادین نفت و گاز بودند، گام‌به‌گام جای خود را به تاسیسات جذب و بازیابی ارزش می‌دهند. آنچه امروز در میادین جنوب جریان دارد، فراتر از یک مانور مقطعی یا گزارشی آماری است؛ این تجلی عقلانیت اقتصادی و بلوغ نگاه مدیریتی است که توانسته بحران ناترازی و هدر رفت را به فرصتی برای ثروت‌آفرینی سالانه صدها میلیون دلار بدل کند. تداوم حمایت همه‌جانبه حاکمیت از الگوهای تسهیل‌گری اداری و میدان‌داری بخش خصوصی، بدون تردید می‌تواند این خاموشی‌های هوشمندانه را به روشنایی پایدار تولید، اشتغال، درآمدزایی ارزی و حفاظت از خاک و آسمان ایران تبدیل نماید. شعله‌هایی که آرام می‌گیرند، آغازگر حیاتی نوین در شریان‌های ارزش‌افزوده اقتصاد ملی خواهند بود.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت عنوان کرد

پشت پرده بازار بی‌ضابطه مکمل‌های سوخت

کاهش بیش از ۸۰ درصدی عرضه مکمل‌های سوخت در جایگاه‌ها، در حالی رقم خورده که تقاضا برای این محصولات همچنان پابرجاست، بازاری که به گفته سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور، به دلیل نبود استاندارد مشخص، با چالش‌هایی همچون تقلب و گرانفروشی روبروست و ضرورت ورود سازمان ملی استاندارد برای ساماندهی آن بیش از پیش احساس می‌شود.

رضا نواز، سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور در گفت‌وگو با ایسنا، درباره سازوکار فروش مکمل‌های سوخت و نارضایتی برخی شهروندان از کیفیت این محصولات اظهار کرد: شاید آماری که ارائه می‌کنم تعجب‌آور باشد اما برآورد ما بر اساس میزان واردات قانونی مکمل به کشور و تولید قانونی این محصولات با مجوز است. یکی از سوالاتی که همواره پرسیده می‌شود این است که این محصولات چگونه در کشور تولید یا به‌صورت قانونی وارد می‌شوند، در حالی که درباره عرضه آنها بحث ممنوعیت مطرح می‌شود. بارها اعلام کرده‌ایم که تقاضای مصرف مکمل از سوی مردم وجود دارد؛ شاید موضوع عرضه این محصولات بیشتر در جایگاه‌های سوخت دیده شود، اما حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد فروش مکمل از طریق بازار انجام می‌شود و سهم جایگاه‌ها از توزیع این محصولات احتمالا حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد است.

وی با بیان اینکه درباره غیرمجاز بودن عرضه مکمل‌ها در جایگاه‌ها اطلاع‌رسانی شده و تدابیر لازم نیز برای این موضوع اندیشیده می‌شود، ادامه داد: وقتی مشاهده کردیم که تقاضای مصرف وجود دارد و کالا نیز از نظر واردات و تولید به‌صورت قانونی در کشور عرضه می‌شود، متوجه شدیم یک حلقه گمشده وجود دارد که موجب بروز دو اتفاق می‌شود؛ ممنوعیتی که درباره عرضه این محصولات مطرح شده نیز به دلیل همین دو اتفاق است. وقتی کالایی در کشور طرفدار دارد و مصرف می‌شود اصولا باید برای آن استاندارد تعریف شود؛ نمی‌دانم چرا سازمان ملی استاندارد در این زمینه مقاومت دارد.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور با اشاره به دو چالش اصلی این حوزه گفت: زمانی که کالایی در کشور مصرف می‌شود و ممنوع هم نیست برای جلوگیری از بروز تخلف باید نظارت گسترده‌ای انجام شود؛ نظارتی که عملا از عهده هر تشکیلاتی خارج است و می‌تواند تنش‌ها و پرونده‌های مختلفی ایجاد کند. دو موضوعی که قانون برای این حوزه تعیین تکلیف کرده یکی تقلب و دیگری گرانفروشی است. البته هیچ‌کس نباید تصور کند که چون مردم از خرید مکمل رضایت ندارند یا نمی‌خواهند آن را خریداری کنند، عرضه اجباری آن موضوعی عادی است. ما اعلام کرده‌ایم که این اقدام تخلف است و حتی امکان پیگیری قضایی نیز دارد و روش‌های پیگیری را هم برای مردم توضیح داده‌ایم.

نواز با طرح این پرسش که چرا باید بستری برای وقوع چنین تخلفاتی ایجاد شود، اظهار کرد: وقتی کالایی در کشور طرفدار دارد و مصرف می‌شود اصولا باید برای آن استاندارد تعریف شود؛ نمی‌دانم چرا سازمان ملی استاندارد در این زمینه مقاومت دارد. یک کارشناس در حوزه اقتصادی یا نفتی نیز می‌تواند این موضوع را بررسی کند، اگر کالایی ممنوع نیست و مصرف بالایی دارد؛ چرا برای آن استاندارد تدوین نمی‌شود؟ برای کالاهای پرمصرفی مانند لبنیات استاندارد وجود دارد، اما چرا برای مکمل‌های سوخت استانداردی تعریف نمی‌شود؟ وقتی استاندارد وجود ندارد، مشخص نیست ترکیبات این محصولات چیست و چه چیزی در آنها تولید یا عرضه می‌شود. یک تولیدکننده ادعا می‌کند محصولش دارای ویژگی‌هایی است و قیمت بالایی دارد و تولیدکننده دیگری محصولی ارزان‌تر عرضه می‌کند، در حالی که قیمت‌گذاری مشخصی نیز برای این محصولات انجام نمی‌شود.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور با تاکید بر اهمیت این موضوع گفت: ترکیباتی که می‌توانند بر سلامت مردم و خودروها تاثیر بگذارند چرا نباید تعیین تکلیف شوند؟ مساله صرفا عرضه یا عدم عرضه مکمل در جایگاه‌ها نیست؛ موضوع اصلی این است که تقاضا برای این محصولات از سوی مردم وجود دارد و حتی اگر در جایگاه عرضه نشوند، مردم آنها را از مغازه‌ها تهیه می‌کنند. وقتی قیمت مشخص و استاندارد وجود داشته باشد، برخورد با متخلفان نیز آسان‌تر می‌شود. اکنون وقتی می‌خواهیم درباره گرانفروشی یک محصول اقدام کنیم قیمت مشخصی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن گران‌فروشی را اثبات کرد و موضوع را به تعزیرات ارجاع داد.

نواز با اشاره به اقدامات انجام‌شده در زمینه نظارت بر عرضه مکمل‌ها اظهار کرد: طی چند سالی که این موضوع را پیگیری کرده‌ایم، میزان عرضه مکمل در جایگاه‌های سوخت کشور تا حدود ۸۰ درصد و حتی بیشتر کاهش یافته است. در حال حاضر عرضه این محصولات در جایگاه‌ها بسیار کمتر از گذشته شده و بیشترین میزان عرضه نیز در تهران مشاهده می‌شود. با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد تقاضای مصرف از سوی مردم به اندازه‌ای است که می‌تواند هر پرسنلی را وسوسه کند تا مکمل را در اختیار مردم قرار دهد و حتی ممکن است این کار به صورت پنهانی انجام شود.

نواز با بیان اینکه ساماندهی این حوزه می‌تواند دست کم از تقلب و گرانفروشی جلوگیری کند، گفت: وقتی قیمت مشخص و استاندارد وجود داشته باشد، برخورد با متخلفان نیز آسان‌تر می‌شود. اکنون وقتی می‌خواهیم درباره گرانفروشی یک محصول اقدام کنیم قیمت مشخصی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن گران‌فروشی را اثبات کرد و موضوع را به تعزیرات ارجاع داد. از سوی دیگر وقتی محصول استاندارد ندارد، ترکیبات آن نیز مشخص نیست و امکان تشخیص دقیق تقلب وجود ندارد. رها شدن این موضوع به نفع مافیایی است که از این بازار سود می‌برد.

سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور با اشاره به مکاتبات انجام‌شده با سازمان ملی استاندارد تصریح کرد: تلاش ما این بوده که مستقیما این موضوع را از سازمان ملی استاندارد پیگیری کنیم، چندین بار مکاتبه کرده‌ایم و دلایل خود را توضیح داده‌ایم. به اندازه کافی نیز دلایل اقناع‌کننده برای تدوین استاندارد وجود دارد و مطالبه ما این است که برای مکمل‌های سوخت استاندارد تدوین شود. نواز در توضیح ضرورت تدوین این استاندارد گفت: کار پیچیده‌ای نمی‌خواهیم انجام بدهیم چرا که استاندارد بنزین در جهان وجود دارد و بخشی از آن نیز به افزودنی‌ها مربوط می‌شود، بنابراین ترکیباتی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، نباید حاوی موادی باشد که به سلامت آسیب می‌زند. همچنین باید مشخص شود موادی که در این ترکیبات وجود دارد چه تاثیری در بهبود عملکرد خودرو دارند. این موارد می‌تواند مبنای تدوین استاندارد قرار بگیرد.

وی با انتقاد از مخالفت‌های صورت گرفته در این زمینه اظهار کرد: دلایل مختلفی مطرح می‌شود اینکه منبع بین‌المللی بیاوریم یا اینکه چون منبعی از غرب وجود ندارد، نباید اقدامی انجام شود، هیچ‌کدام قابل پذیرش نیست. استاندارد باید بر اساس نیاز و شرایط کشور تدوین شود.

نواز با هشدار نسبت به ادامه روند فعلی گفت: به ما اعلام شده که برخی با این موضوع مخالف هستند. معتقدیم بخشی از این مخالفت‌ها غیرمنطقی و در راستای منافع مالی است، بنابراین هشدار می‌دهیم که این موضوع را چندین بار پیگیری کرده‌ایم و این منافع مالی و چرخه آن را نیز می‌شناسیم. این افراد باید بپذیرند که این موضوع با جدیت پیگیری می‌شود و دیگر نمی‌توانند روال سابق را ادامه بدهند. در صورت تداوم این روند ضمن اطلاع‌رسانی به افکار عمومی اسامی آنها را به سازمان‌های بازرسی و نظارتی و دستگاه قضایی نیز به‌صورت کتبی اعلام می‌کنیم. روش‌هایی که از طریق آنها در این حوزه تقلب و گرانفروشی انجام می‌شود، تنها به موضوع مکمل‌ها محدود نیست و منافع غیرمستقیم دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که فعلا درباره آنها اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم. سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور ابراز امیدواری کرد که هرچه سریع‌تر استاندارد مکمل‌های سوخت تدوین شود تا این موضوع به مرحله‌ای نرسد که آثار و تبعات نامطلوبی برای مردم و خودروها به همراه داشته باشد.

معاون وزیر نیرو:

تامین آب مناطق مرزی از اولویت‌های وزارت نیرو است

معاون وزیر نیرو با تأکید بر اهمیت راهبردی تأمین آب در مناطق مرزی خاطرنشان کرد: امنیت پایدار مرزها با حضور و ماندگاری مردم مرزنشین ارتباط مستقیم دارد و تأمین آب به عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی زندگی، نقش مهمی در تثبیت جمعیت و توسعه این مناطق ایفا می‌کند.

آرش کردی، معاون مالی، حقوقی و مجلس وزارت نیرو در مراسم آغاز عملیات اجرایی پروژه آبرسانی به مجتمع روستایی فجر پنج شهرستان گنبد امروز ۱۳ آبان با حضور مدیران استانی و شهرستانی، نماینده مردم گنبد کاووس در مجلس شورای اسلامی و جمعی از خیرین، اظهار کرد: اجرای آبرسانی به مجتمع روستایی فجر پنج حاصل پیگیری و تسهیلگری مسوولان است و پیش از آغاز عملیات اجرایی مقدمات لازم از جمله تعیین پیمانکار، تأمین منابع مالی و رفع موانع اجرایی فراهم شده است.

کردی با اشاره به چالش‌های آبی استان گلستان، اظهار کرد: برخلاف تصور عمومی گلستان از استان‌های کمتر برخوردار از نظر منابع آب بوده و وزارت نیرو برنامه‌های مدونی برای تأمین آب از منابع زیرزمینی، آب‌های سطحی، پساب و شیرین‌سازی آب دریا دارد. وی ادامه داد: بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، ظرفیت شیرین‌سازی آب دریا در افق طرح به ۳۵ میلیون مترمکعب در سال خواهد رسید. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان، در این مراسم با اشاره به برنامه جامع تأمین آب شرب استان گفت: در حال حاضر حدود ۱۷۰ میلیون مترمکعب از منابع آب زیرزمینی برای تأمین نیازهای استان برداشت می‌شود که هدف‌گذاری شده با توسعه استفاده از منابع آب سطحی، میزان برداشت از سفره‌های زیرزمینی به حدود ۷۴ میلیون مترمکعب کاهش یابد.

ایرج حیدریان افزود: بر اساس طرح جامع آب شرب، تأمین آب شرق استان از منابع سطحی سد نرماب، سد قره‌چای رامیان و منابع آب زیرزمینی و تأمین آب غرب استان از منابع زیرزمینی و شیرین‌سازی آب دریا پیش‌بینی شده است.

به گفته وی، طرح آبرسانی نوار مرزی نیز با ظرفیت تأمین یک‌هزار و ۸۰۰ لیتر آب در ثانیه، ۵۶۰ کیلومتر خط انتقال و مخازن ذخیره در حال اجراست.

حیدریان با اشاره به آغاز عملیات اجرایی فجر ۵ اظهار کرد: در این مرحله ۷۲ کیلومتر خط انتقال و خطوط جمع‌آوری، ۲ هزار مترمکعب مخزن، سه ایستگاه پمپاژ و ۱۳۰ منهول اجرا خواهد شد. وی همچنین از همراهی خیرین، به‌ویژه در تأمین تجهیزات، مصالح و پشتیبانی پروژه‌های آبرسانی قدردانی کرد. نماینده مردم گنبد کاووس در مجلس شورای اسلامی نیز در این مراسم، با تأکید بر اینکه آبرسانی به نوار مرزی از مهم‌ترین مطالبات مردم و ائمه جمعه منطقه بوده، گفت: تأمین آب شرب پایدار برای روستاهای مرزی از اولویت‌های جدی ما به شمار می‌رود.

عبدالحکیم آق‌ارکاکلی با اشاره به پیگیری‌های انجام‌شده طی دو سال و نیم گذشته، افزود: با اجرای طرح‌های آبرسانی فجر ۵ و پروژه آب‌شیرین‌کن شهر مرزی اینچه‌برون تلاش می‌کنیم تمامی روستاهای شهرستان گنبد کاووس از آب شرب پایدار برخوردار شوند. آق‌ارکاکلی همچنین توسعه زیرساخت‌های پایانه مرزی اینچه‌برون در حوزه‌های راه، آب، برق و منطقه آزاد را ضروری دانست و از آغاز فعالیت پیمانکار پروژه جاده نفت خبر داد. فرماندار ویژه شهرستان گنبد کاووس نیز در این مراسم با اشاره به همزمانی آغاز عملیات اجرایی پروژه با ۱۳ آبان، گفت: استکبارستیزی امروز تنها در شعار و حضور در خیابان خلاصه نمی‌شود، بلکه ساختن کشور، توسعه زیرساخت‌ها و خدمت‌رسانی به مردم مناطق محروم نیز از جلوه‌های مهم آن است. سلیمان هاشمی با تأکید بر نقش وحدت اقوام و مذاهب در توسعه منطقه، اظهار کرد: فرهنگ شناسنامه مشترک همه اقوام ایرانی است و با تکیه بر وحدت، خدمت صادقانه و امیدآفرینی می‌توان مسیر آبادانی کشور را دنبال کرد. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان نیز تأمین آب پایدار را مهم‌ترین عامل ماندگاری جمعیت در روستاهای نوار مرزی دانست. محمد حمیدی گفت: کمبود آب یکی از دلایل اصلی مهاجرت روستاییان از مناطق مرزی است و هیچ عاملی به اندازه تأمین آب در تثبیت جمعیت این مناطق تأثیرگذار نیست. وی خواستار توجه ویژه به سرانه آب روستاهای مرزی شد و افزود: با توجه به شرایط زندگی روستاییان و نیاز آنان به نگهداری دام و تأمین معیشت، سرانه آب این مناطق باید متناسب با شرایط خاص زندگی مرزنشینان در نظر گرفته شود. حمیدی همچنین تکمیل طرح‌های مکمل تأمین آب شرق استان از جمله سد نرماب، تصفیه‌خانه، مخازن ذخیره و خطوط انتقال را ضروری دانست و تأکید کرد: پایداری آب شرب در منطقه نیازمند تکمیل زنجیره طرح‌های تأمین و انتقال آب است.

ادامه از صفحه اول

حکمرانی هوش مصنوعی فراتر از قانونگذاری و مجوز

به‌ویژه آنکه بخش قابل توجهی از توان پردازشی و زیرساخت‌های موردنیاز این فناوری در اختیار تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ قرار دارد؛ شرکت‌هایی که قدرت اقتصادی و فنی آنها لزوما با سازوکارهای پاسخگویی عمومی همراه نیست. در چنین فضایی، تدوین اسناد و قوانین ملی، از جمله سند ملی هوش مصنوعی و قانون ملی توسعه هوش مصنوعی، زمانی می‌تواند به پیشرفت کشور کمک کند که با نیازهای واقعی زیست‌بوم فناوری و کسب‌وکارها تناسب داشته باشد. مساله اصلی، صرفا تصویب قانون نیست، بلکه قابلیت اجرای آن، آثار اقتصادی و نهادی آن و میزان کمکی است که به رفع موانع توسعه فناوری می‌کند. هر سیاستی که به افزایش بروکراسی، محدودشدن رقابت یا دشوارتر شدن فعالیت شرکت‌های فناور منجر شود، حتی اگر با هدف ساماندهی بازار تدوین شده باشد، ممکن است در عمل نتیجه‌ای برخلاف هدف اولیه به همراه داشته باشد. نگرانی از عقب ماندن کشور در رقابت جهانی هوش مصنوعی کاملا جدی است، اما پاسخ به این نگرانی را نباید تنها در افزایش مقررات و صدور مجوزهای بیشتر جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین موانع توسعه این فناوری در ایران، محدودیت دسترسی به فناوری‌ها و زیرساخت‌های روز دنیاست. تحریم‌ها، دشواری ارتباط با تامین‌کنندگان بین‌المللی و محدودیت دسترسی به ابزارها و خدمات فناورانه، مسیر فعالیت شرکت‌های داخلی را پیچیده کرده است. حتی در صورت بهبود روابط خارجی نیز نمی‌توان انتظار داشت تمام این محدودیت‌ها در کوتاه‌مدت برطرف شوند. بنابراین تقویت تاب‌آوری فناورانه و تدوین برنامه‌ای بلندمدت برای حفظ و توسعه ظرفیت‌های داخلی باید در اولویت قرار بگیرد. در کنار محدودیت‌های خارجی، چالش‌های زیرساختی داخلی نیز مانعی جدی برای توسعه هوش مصنوعی به شمار می‌روند. کمبود توان پردازشی، محدودیت زیرساخت‌های ارتباطی، ظرفیت ذخیره‌سازی، دشواری تامین سخت‌افزار و ناپایداری انرژی، مجموعه‌ای از موانعی هستند که بدون رفع آنها نمی‌توان انتظار توسعه پایدار این فناوری را داشت. توسعه مراکز داده و زیرساخت‌های پردازشی نیز بدون توجه به تامین برق و سایر پیش‌نیازهای فنی، پاسخگوی نیازهای رو به رشد این حوزه نخواهد بود.

در این میان، موضوع صدور مجوز برای اپراتورهای ارایه‌دهنده خدمات پردازش هوش مصنوعی (AISP) نیز نیازمند بررسی دقیق آثار اقتصادی و رقابتی است. صدور مجوز به‌خودی‌خود به معنای افزایش ظرفیت پردازشی یا حل مشکل دسترسی کسب‌وکارها به خدمات مورد نیاز نیست. آنچه اهمیت دارد، نتیجه عملی این سازوکار بر بازار است؛ اینکه آیا امکان فعالیت بازیگران جدید را فراهم می‌کند، دسترسی شرکت‌ها به خدمات پردازشی را بهبود می‌بخشد و شرایط سرمایه‌گذاری را شفاف‌تر می‌کند یا به شکل‌گیری انحصار و افزایش موانع اداری می‌انجامد.

اگر سازوکار صدور مجوز به جای تسهیل فعالیت، به ابزاری برای محدود کردن ورود بازیگران جدید تبدیل شود، نه‌تنها گرهی از مشکلات زیرساختی باز نخواهد کرد، بلکه مانعی تازه بر سر راه توسعه بازار خدمات هوش مصنوعی ایجاد خواهد شد. سیاستگذار باید میان ضرورت نظارت و مسوولیت‌پذیری از یک‌سو و حفظ فضای رقابتی و امکان نوآوری از سوی دیگر توازن برقرار کند.

نقش دولت در این مسیر، بیش از هر چیز باید بر فراهم کردن زیرساخت‌های عمومی، رفع موانع سرمایه‌گذاری، ایجاد قواعد شفاف و قابل پیش‌بینی و تضمین امکان رقابت متمرکز باشد. در مقابل، بخش خصوصی نیز باید با سرمایه‌گذاری، نوآوری و توسعه محصولات و خدمات رقابتی، سهم خود را در گسترش ظرفیت‌های فناورانه کشور ایفا کند. تحقق این هدف بدون تعامل مستمر میان دولت و فعالان اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.

واقعیت این است که ایران همزمان با محدودیت‌های خارجی و چالش‌های داخلی در حوزه زیرساخت و محیط کسب‌وکار مواجه است. در چنین شرایطی، هر تصمیم جدید در حوزه هوش مصنوعی باید با یک معیار اساسی ارزیابی شود: آیا دسترسی به فناوری را افزایش می‌دهد، رقابت را تقویت می‌کند، سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند و زمینه ورود بازیگران جدید را فراهم می‌آورد یا صرفا بر حجم محدودیت‌ها و هزینه‌های فعالیت کسب‌وکارها می‌افزاید؟

حکمرانی موثر هوش مصنوعی به معنای افزایش تعداد قوانین و مجوزها نیست، بلکه به معنای ایجاد توازن میان توسعه فناوری، امنیت، مسوولیت‌پذیری و منافع عمومی است. قانون ملی توسعه هوش مصنوعی نی